

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۰۱/۲۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۰۷/۰۷

نوع مقاله: پژوهشی

شناخت و تحلیل عوامل مؤثر بر رکود فرش دستباف اصیل سیستان

چکامه ضمیری (نویسنده‌ی مسئول)

کارشناسی ارشد فرش، دانشگاه هنر تهران

zamiri.chakameh@gmail.com

ابوالقاسم نعمت شهربابکی

عضو هیئت علمی، دانشکده‌ی هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان

چکیده

فرش دستباف اصیل سیستان از دیرباز همواره نقش مهمی در معیشت و اقتصاد مردم این خطه داشته است. با این وجود مشکلات موجود در حوزه‌ی فرش دستباف ایران و به صورت منحصر به فرد معضلات بومی خاص این منطقه، جایگاه این هنر- صنعت ارزشمند را تحت تأثیر قرار داده است. به طوری که امروزه تولید فرش اصیل سیستان به میزان زیادی کاهش یافته و استفاده از نقشه‌ها و طرح‌های دیگر نقاط ایران (تبریز، کاشان و اصفهان) در بافته‌های منطقه رواج یافته است. ادامه‌ی این روند می‌تواند در درازمدت به فراموشی و زوال قالی سیستان و الگوها و سنت‌های مرتبط با آن بیانجامد؛ بنابراین مطالعه و بررسی شاخص‌های آسیب‌رسان به جایگاه فرش منطقه به منظور برنامه‌ریزی آتی جهت رفع آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد؛ که این مسئله به عنوان هدف اصلی پژوهش پیش‌رو مدنظر قرار گرفته است. روش پژوهش ترکیبی و اکتشافی است. ابتدا با استفاده از مصاحبه‌ی نیمه ساختاریافته علل رکود فرش دستباف سیستان از دیدگاه کارشناسان این حوزه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نوزده عامل اصلی اثرگذار در این زمینه شناسایی شده است. سپس با استفاده از عوامل مذکور پرسش‌نامه‌ای جدید طراحی شد که در چارچوب طیف لیکرت دیدگاه مردم محلی این حوزه در ارتباط با علل رکود فرش دستباف سیستان مورد بررسی قرار گرفت. در این مرحله آزمون تی تک نمونه برای واکاوری داده‌های پرسش‌نامه به کار رفت. نتایج نشان می‌دهد که به ترتیب خشک‌سالی و نابودی دامپروری، تغییر سبک زندگی و الگوی معیشتی و همین‌طور سودآوری پایین محصول نهایی، پر اهمیت‌ترین علل لطمه‌رسان به فرش دستباف اصیل سیستان هستند.

واژه‌های کلیدی: فرش دستباف، سیستان، صنعت قالی‌بافی، رکود، صنایع دستی.



دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۶
پاییز و زمستان ۱۳۹۸

۱۰۷

■ مقدمه

اصالت و زیبایی منحصر به فرد فرش دستباف ایران باعث شده تا همواره مشتریانی از اقصای نقاط جهان خواهان آن باشند. از همین رو تولید فرش دستباف از دیرباز تاکنون از جمله مهم‌ترین فعالیت‌های هنری و اقتصادی در مناطق مختلف ایران به خصوص توسط دختران و زنان خانه‌دار به شمار می‌رود.

تولید فرش دستباف در اقتصاد ایران به دلیل بهره‌گیری از تکنولوژی ساده و کم هزینه، مواد اولیه ارزان، ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار و تحصیل درآمدهای ارزی از مزیت نسبی قابل توجهی برخوردار است (صابری، ۱۳۸۲: ۵۲۹). در واقع این هنر-صنعت در کنار اشتغال‌زایی و کمک به تأمین معیشت خانواده‌ها، به رونق چرخ اقتصاد کشور نیز یاری رسانده است. در این میان فرش دستباف اصیل سیستان در سال‌های متمادی نقش پررنگی در تولیدات هنری منطقه داشته است و از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. به طوری که به علت دارا بودن ویژگی‌های منحصر به فرد و هویت اصیل و قابل شناسایی خود طی همایشی در بهمن ماه ۱۳۹۶ هجری شمسی به ثبت جهانی نیز رسیده است (بازیابی شده به تاریخ ۱۳۹۷/۷/۲۱ از سایت خبرگزاری ایسنا)؛ اما در سال‌های اخیر برخی مشکلات و عوامل آسیب‌رسان آشکار و نهان، باعث کاهش تولید و رونق این اثر هنری ارزشمند گشته است. تا جایی که امروزه بسیاری از تولیدات فرش دستباف حوزه‌ی سیستان با تهیه‌ی مواد اولیه و نقشه از دیگر مناطق ایران (کاشان، تبریز و اصفهان) بافته می‌شود (شکل ۱ و ۲). مابقی تولیدات اصیل فرش دستباف منطقه نیز با توجه به تغییر سلیقه‌ی مخاطب و عدم وجود بازار هدف، بازخورد قابل توجهی ندارند و به طور کلی به نظر می‌رسد که عوامل متعددی جایگاه قالی دستباف سیستان را تهدید می‌نماید. لذا شناسایی عوامل مذکور و برنامه‌ریزی جهت رفع آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد. از این‌رو پژوهش پیش‌رو قصد دارد تا به عنوان هدف اصلی خود به این پرسش پاسخ دهد که مهم‌ترین عوامل ایجاد رکود در فرش دستباف اصیل سیستان در سال‌های اخیر کدام‌اند؟

روش پژوهش ترکیبی و اکتشافی است. ابتدا با استفاده از مصاحبه‌ی نیمه ساختاریافته علل رکود فرش دستباف سیستان از دیدگاه کارشناسان این حوزه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و عوامل اثرگذار در این زمینه شناسایی شد. سپس پرسش‌نامه‌ای جدید طراحی شد که در چارچوب طیف لیکرت دیدگاه مردم محلی را نسبت به میزان اثرگذاری هریک از عوامل نوزده‌گانه بر وضعیت فرش دستباف سیستان مورد بررسی قرار دهد. در این مرحله آزمون تی تک نمونه برای واکاوری داده‌های پرسش‌نامه به کار رفت. محدوده‌ی مورد مطالعه در پژوهش، حوزه‌های تولید فرش دستباف سیستان شامل شهرستان‌های زاهدان و زابل هستند. در واقع تمام قالی‌بافان و تولیدکنندگان مستقر در کارگاه‌های متمرکز تولید فرش دستباف سیستان شامل چهار کارگاه در شهرستان زاهدان (کارگاه هنرهای ماندگار، شرکت تعاونی فرش مثلث سیستان، شرکت تعاونی فرش خوش‌نگار سیستان، آذربافت) و سه کارگاه در شهرستان زابل (کارگاه‌های سه نقطه، عطر یاس و شرکت تعاونی فرش دستباف منطقه‌ی سیستان) و هم‌چنین کارشناسان سازمان‌های دولتی (شرکت سهامی فرش و اداره صنعت، معدن و تجارت استان) و خصوصی (شرکت‌های تولید و عرضه‌ی فرش سیستان و آموزشگاه‌های قالی‌بافی)، اعضای هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان، تجار و فروشندگان فرش دستباف منطقه و هم‌چنین مردم محلی آشنا با این حوزه در فرآیند پژوهش مشارکت داشته‌اند.

در زمینه‌ی پیشینه‌ی پژوهش‌های انجام گرفته در این رابطه، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: شم‌آبادی و حسینی (۱۳۸۶) در مقاله‌ی «بازاریابی صادرات فرش دستباف ایران؛ بررسی عوامل مؤثر و آسیب‌شناسی»؛ مهم‌ترین آسیب‌های موجود در صنعت فرش دستباف ایران را به دسته‌های، عدم توجه به متغیرهای مدیریتی (عدم ریسک‌پذیری، نبود روش‌های کنترل صحیح و...)، متغیرهای محیطی (مانند بی‌توجهی به بسترهای ملی

و رقابتی)، استراتژی تولید (ضعف در نوآوری و تنوع، بی‌توجهی به استانداردهای عوامل تولید و...)، متغیرهای بخش‌بندی (موقعیت‌های جغرافیایی، فرهنگی و...) و متغیرهای آمیخته (توجه به مشتری یا ضعف در قیمت‌گذاری و...)، تقسیم‌بندی نموده‌اند. این پژوهش علل کلی آسیب‌رسان به فرش دست‌باف ایران را بررسی نموده و به جایگاه خاص اکولوژیکی هر منطقه و مشکلات مختص فرش دست‌باف هر ناحیه بی‌توجه بوده است.

در پژوهشی در دانشگاه فردوسی مشهد، با عنوان «بررسی علل افت سهم بازارهای جهانی فرش دست‌باف ایران نسبت به رقا و ارائه راهکارهای مناسب برای بهبود آن»، عدم توجه کافی صادرکنندگان به شیوه‌های نوین بازاریابی، تعیین بازار هدف و محدودیت‌های بازرگانی، مطالعه‌ی ناکافی بر روی وضعیت رقا و نیز مشکلات موجود در حوزه توزیع محصول از جمله مهم‌ترین علل افت سهم بازار جهانی فرش دست‌باف ایران در آن دوره بیان شده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۷۷). البته با توجه به زمان انجام این پژوهش و سیال بودن مشکلات حوزه فرش، باید به این نکته اشاره نمود که به طور قطع امروزه عوامل دیگری نیز بر جایگاه عرضه فرش دست‌باف ایران در بازار جهانی تأثیرگذار است.

رضوانی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش «شناخت و تحلیل عوامل مؤثر بر رکود صنعت قالی‌بافی در نواحی روستایی» با بررسی نمونه‌ی موردی شهرستان ملایر، مهم‌ترین علت رکود و زوال فرش در این منطقه را در تحولات مدرن جامعه و تغییر سبک و سیاق زندگی روستایی و رونق الگوی شهرنشینی بیان نموده است.

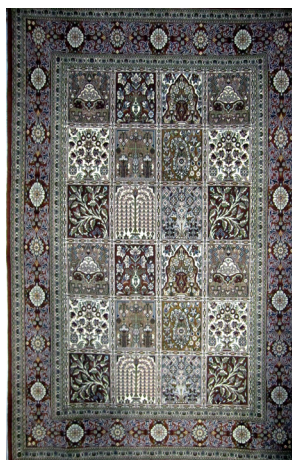
محمدی استاد کلاهی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ی «شناخت و تحلیل عامل مؤثر بر رکود صنعت قالی‌بافی در نواحی روستایی از دیدگاه قالی‌بافان شهرستان گنبدکاووس» با نظرسنجی از ۲۷۰ قالی‌باف در حوزه‌ی مذکور به این نتیجه رسیدند که عمده‌ی علل رکود و زوال صنعت قالی‌بافی روستاهای گنبدکاووس، ریشه در مسائل اقتصادی و ضعف‌های حمایت دولتی دارد. هم‌چنین در پژوهشی تحت عنوان «شناسایی موانع نوآوری در طراحی و تولید فرش دست‌باف اصفهان: رویکردی کارآفرینانه»، پنج مقوله اصلی به نام حوزه‌های اقتصادی، بازار و بازاریابی، فرهنگی، مدیریتی و تکنولوژیکی به عنوان عوامل اصلی تأثیرگذار بر مقوله نوآوری بر فرش دست‌باف اصفهان شناخته شده‌اند که هر یک دارای زیرشاخه‌های منحصر به خود هستند (طغریایی و همکاران، ۱۳۹۴).

با توجه به قدمت دیرینه و اصالت خاص فرش دست‌باف سیستان و ثبت جهانی آن در سال‌های اخیر و هم‌چنین وضعیت نامناسب این هنر-صنعت در منطقه‌ی مذکور که آن را در معرض فراموشی و رکود قرار داده می‌توان اذعان نمود که بررسی علل آسیب‌رسان به جایگاه قالی دست‌باف اصیل سیستان پژوهشی بسیار ضروری است و با عنایت به تفاوت‌های گوناگون بستر مکانی پژوهش با نمونه‌های فوق، دارای نتایجی متفاوت نیز خواهد بود.

● فرش دست‌باف سیستان

سنت بافت و بافندگی در منطقه‌ی سیستان از قدمت بسیار زیادی برخوردار است. از خصوصیات منحصر به فرد قالی کهن این مرز و بوم، استفاده از نقشه‌های متنوع و نقش‌مایه‌های بسیار زیاد و زیبا بوده است. فرش سیستان در روزگار نه چندان دور از پشم محلی برگرفته از گوسفندان منطقه، نخ حاصل از کارخانه‌های ریسندگی و همین‌طور موی بز جهت بافت لوار قالی به عنوان سه نوع ماده‌ی اولیه‌ی اصلی دربرگیرنده‌ی خود استفاده می‌نموده است؛ چیزی که امروزه به علت کمبود مواد اولیه‌ی تغییر یافته و عمدتاً مواد اولیه‌ی مورد نیاز از خارج از استان تأمین می‌شود. هم‌چنین امروزه نقشه‌های اصیل فرش دست‌باف سیستان چندان به کار برده نمی‌شوند و بافندگان باقی مانده به دلیل در دسترس نبودن این نقشه‌ها، از نقشه‌های کاشان، اصفهان و تبریز جهت بافت بهره می‌برند. چرا که بافت نقشه‌های

اصیل سیستان (مددخانی، پنجه‌ای، ترکمنی، جبات اشتر، گل فندقی و ...) در کشور همسایه، افغانستان با کمی تفاوت از گذشته‌های دور معمول است. بافت این نقشه‌ها در افغانستان به مراتب با قیمت کمتر انجام گرفته و همین امر باعث شده بافندگان سیستانی به علت دست‌مزد پایین در بافته‌های اصیل خود، به بافت نقشه‌های غیر بومی گرایش یابند. از طرفی در بازار جهانی نیز به علت همین پایین بودن قیمت فرش‌های افغانی، بافته‌های اصیل سیستانی توان رقابت با آن را ندارند.



تصویر ۲- فرش سیستان با طرح خشتی چهارمحال و بختیاری (گالری جعفری‌پناه)

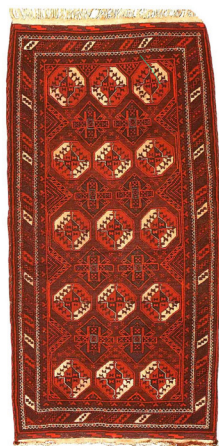


تصویر ۱- فرش سیستان با طرح لچک ترنج تبریز (گالری جعفری‌پناه)

به لحاظ ویژگی‌های رنگی فرش منطقه باید اشاره نمود که در اکثر قالی‌های سیستان، رنگ قرمز رنگ حاکم است که معمولاً در رنگ مایه‌های متفاوت از قرمز روشن تا قهوه‌ای شتری برای زمینه و یا نقوش به کار می‌رود (ادواردز، ۱۳۶۸: ۲۱۳). این رنگ دارای معانی و مفاهیم متفاوتی است که برگرفته از فضای زندگی و موقعیت اقلیمی این سرزمین است. رنگ‌های دیگر قالی سیستان عبارت هستند از رنگ‌های شتری یا قهوه‌ای که در طیف‌های مختلف رنگی به کار می‌روند. رنگ‌هایی چون طیف‌های روشن و تیره سبز، زرد مایل به قهوه‌ای، آبی سرمه‌ای و سفید و سیاه که به صورت عمده متأثر از شرایط اقلیمی سیستان هستند. رنگ قهوه‌ای یادآور تپه‌های ماسه و حیوانی مثل شتر است. رنگ سبز که به میزان بسیار کمی در قالی سیستان به کار می‌رود، برگرفته از سبزی گیاهان است. رنگ زرد که بیشتر در گذشته استفاده می‌شده است نمادی از گندم‌زارهای زرخیز سیستان بود و تقلیل آن امروزه در قالی این منطقه این موضوع را تداعی می‌کند که سیستان دیگر انبار غله ایران نیست. رنگ آبی سرمه‌ای که امروزه در زمینه‌ی برخی از قالی‌ها مانند قالی گل قندانی بافته می‌شود، یادآور آسمان صاف و نیلگون و یا آب‌های هامون و هیرمند است. امروزه با از بین رفتن مفاهیم برخی از این رنگ‌ها در اقلیم منطقه‌ی سیستان، از آن رنگ‌ها کمتر در بافت قالی سیستان استفاده می‌شود (حسین‌آبادی و رهنورد، ۱۳۸۵: ۶۰).

در مورد ابعاد قالی دست‌باف سیستان باید گفت که اندازه‌های آن با اندازه‌های رایج امروزه و طرز فرش کردن اتاق، در روزگار تطبیق ندارد، زیرا برای پر کردن یک اتاق سه در چهار باید از سه یا چهار قالیچه استفاده کرد و

باز هم گاه جاهای خالی باقی می‌ماند. در واقع قالیچه‌ها عمدتاً دارای عرض کم در حدود یک یا یک و نیم متر و در طولی دو تا پنج متر بافته می‌شوند. متأسفانه به دلیل خشک‌سالی، بدی آب و هوا و سختی‌های معیشتی به مرور زمان رخدادهایی همچون زوال نیروهای تولیدی در زمینه‌ی قالی و از هم پاشیدگی نظام قومی و فرهنگی منطقه و مهاجرت سکنه به مناطقی همچون تربت‌جام، گنبد کاووس و حتی کشور افغانستان رخ داده است. این موضوع باعث شده تا تولیداتی مشابه به قالی سیستان در این مناطق نیز عرضه شوند که به لحاظ بافت و رنگ شباهت‌های زیادی به فرش این منطقه دارند.



تصویر ۴- قالیچه با طرح چپات آستر (حصوری، ۱۳۷۱: ۱۴۴)



تصویر ۳- قالی سجاده‌ای سیستان (حصوری، ۱۳۷۱: ۱۱۱)

● شناخت اولیه علل مؤثر بر رکود فرش دستباف اصیل سیستان از دیدگاه کارشناسان

پژوهش در دو مرحله صورت پذیرفته است؛ در مرحله‌ی نخست پژوهش از طریق مصاحبه با تعدادی از کارشناسان و دست‌اندرکاران فرش دستباف سیستان شامل اعضای هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان، کارشناسان شرکت سهامی فرش و اداره‌ی صنعت، معدن و تجارت استان سیستان و بلوچستان، تجار و فروشندگان حوزه‌ی فرش سیستان و همچنین تولیدکنندگان فرش این منطقه (جدول ۱)، ۱۹ عامل ایجادکننده‌ی رکود در فرش دستباف سیستان از نظر کارشناسان شناسایی شد. مصاحبه‌ی صورت گرفته از نوع نیمه ساختاریافته در نظر گرفته شده که سؤالات اصلی آن از پیش طراحی شده‌اند. این نوع از مصاحبه در مقایسه با مصاحبه ساختاریافته از انعطاف‌پذیری بیش تری برخوردار است به طوری که پژوهش‌گر در جهت رسیدن به پاسخ پرسش‌های اصلی از پیش طرح شده، می‌تواند پرسش‌های دیگری نیز بسته به شرایط مصاحبه مطرح نماید (Cousin, 2009: 71). خلاصه نتایج مرحله نخست پژوهش یعنی مهم‌ترین عوامل رکود فرش دستباف سیستان بر پایه‌ی تعداد مصاحبه‌های به عمل آمده در جدول (۲) ذکر شده است. لازم به توضیح است که برخی از عوامل زیر منحصراً مربوط به حوزه‌ی فرش دستباف اصیل سیستان بوده که در جدول مذکور تحت عنوان عوامل انحصاری آورده شده‌اند و برخی دیگر خاص فرش منطقه‌ی سیستان نیست و برای تمامی فرش‌های دستباف مناطق مختلف کشور عمومیت دارند (عوامل عمومی).

جدول ۱- جامعه‌ی آماری مصاحبه‌کنندگان مرحله‌ی اول پژوهش

تعداد (نفر)	مصاحبه‌کنندگان مرحله‌ی اول پژوهش
۵	اعضای هیئت علمی دانشگاه س و ب
۳	کارشناسان سازمان‌های دولتی استان س و ب
۶	تجار حوزه‌ی فرش دست‌باف سیستان
۷	تولیدکنندگان فرش دست‌باف سیستان
۲۳	مجموع

(نگارندگان)

جدول ۲- عوامل مؤثر بر رکود فرش دست‌باف اصیل سیستان

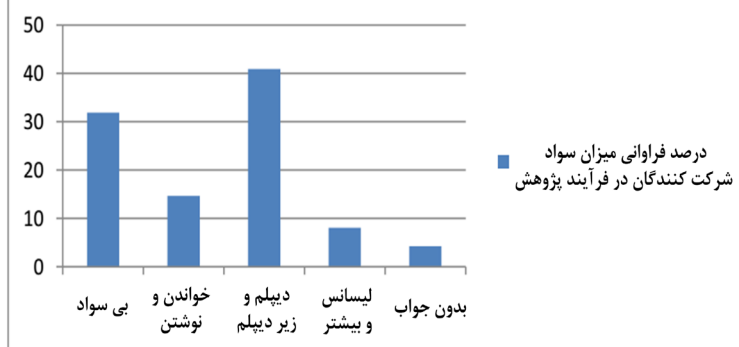
انحصاری	۱- کمبود امکانات فنی (مانند دستگاه‌های پرداخت) در تولید فرش دست‌باف (عقب‌ماندگی تکنولوژیکی)
	۲- مهاجرت سکنه شامل بافندگان و تولیدکنندگان فرش دست‌باف سیستان به علت خشک‌سالی
	۳- تولید محصولات مشابه در کشورهای همسایه مانند افغانستان با قیمت پایین‌تر
	۴- نبود مواد اولیه به علت خشک‌سالی و نابودی صنعت دامپروری منطقه‌ی سیستان
	۵- زوال طرح‌های اصیل فرش دست‌باف سیستان و ترویج و گسترش طرح‌ها و نقشه‌های غیربومی
	۶- عدم وجود طراحان خبره در حوزه‌ی فرش دست‌باف سیستان به منظور احیای طرح‌ها و نقوش اصیل
	۷- سودآوری پایین فرش دست‌باف سیستان
عمومی	۸- کیفیت پایین مواد اولیه و همچنین محصول نهایی
	۹- تمایل جوانان به تحصیل و اخذ مدرک و اشتغال در حوزه‌های دیگر
	۱۰- ضعف حمایت‌های دولتی در حوزه‌های آموزشی، تأمین مواد اولیه و بازاریابی محصول
	۱۱- مشکلات صادرات به علت تحریم‌های اقتصادی کشور
	۱۲- کمبود بافنده به دلیل دست‌مزد پایین بافندگان و عدم تأمین معیشتی
	۱۳- فقدان نوآوری در زمینه‌ی طرح، نقشه و رنگ فرش دست‌باف سیستان (عدم تطابق با سلیقه‌ی بازار)
	۱۴- ناشناخته ماندن فرش دست‌باف سیستان به علت معرفی و عرضه‌ی نامناسب
	۱۵- عدم نظارت بر کیفیت تولیدات کارگاه‌های فرش‌بافی خانگی
	۱۶- تغییر سبک زندگی و الگوی معیشتی ساکنان منطقه (رواج مصرف‌گرایی به جای تولیدگر بودن)
	۱۷- سختی کار قالی‌بافی و آسیب‌های جسمی ناشی از آن
	۱۸- افزایش قیمت و گرانی مواد اولیه تولید فرش دست‌باف
	۱۹- فقدان بازار هدف و مشکلات بازاریابی فرش دست‌باف سیستان

(نگارندگان)

● تحلیل علل مؤثر بر رکود فرش دستباف اصیل سیستان

در گام دوم، به منظور بررسی عوامل رکود فرش دستباف سیستان و مطالعه‌ی میزان اثرگذاری هر یک از آن‌ها با توجه به دیدگاه مردم منطقه و صاحب‌نظران بر پایه‌ی نتایج مرحله‌ی نخست پژوهش، پرسش‌نامه‌ای طراحی شد. نتایج پرسش‌نامه‌های معتبر اخذ شده در این گام بر اساس نمونه‌گیری کلی به روش گلوله برفی^۱ به شرح جدول (۳) است. لازم به ذکر است که پرسش‌نامه‌های این مرحله عمدتاً در میان خانوارهایی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در زمینه‌های آموزش، تولید و عرضه‌ی فرش دستباف سیستان قرار داشته‌اند یا از آن مطلع بوده‌اند، دانشجویان و اساتید رشته‌ی فرش، کارشناسان بخش‌های دولتی و خصوصی مرتبط با موضوع فرش دستباف سیستان، همچنین تجار و کارگاه‌داران و قالی‌بافان فرش سیستان توزیع شده است. درصد فراوانی میزان تحصیلات شرکت‌کنندگان در این مرحله از فرآیند پژوهش در نمودار (۱) نمایش داده شده است. سپس در راستای تجزیه و تحلیل داده‌های پرسش‌نامه و شناخت میزان اهمیت هر یک از عوامل مؤثر بر فرش دستباف سیستان، آزمون تی تک نمونه مورد استفاده قرار گرفته که نتایج آن در جدول (۴) قابل مشاهده است. ارزش تی به طور مستقل برای همه‌ی پرسش‌ها در طیف لیکرت پنج گزینه‌ای برابر با عدد ۳ به عنوان میانه‌ی مطلوب منظور شده است. سطح معناداری محاسبه شده در ناحیه‌ی آلفای ۰,۰۵ برای همه‌ی مقوله‌ها برابر ۰,۰۰ است که نشان‌دهنده‌ی توافق معنادار نگرش پاسخ‌گویان به عوامل در نظر گرفته شده‌ی مرتبط با وضعیت فرش دستباف سیستان است.

درصد فراوانی میزان سواد شرکت‌کنندگان در فرآیند



نمودار ۱- درصد فراوانی میزان تحصیلات شرکت‌کنندگان در مرحله‌ی دوم پژوهش (یافته‌های تحقیق)

۱- به منظور آشنایی بیشتر رجوع شود به: Earl R. B. (2012). The Practice of Social Research, Sengage Learning.

جدول ۳- خلاصه‌ی نتایج ۲۱۰ پرسش‌نامه‌ی به دست آمده در فرآیند پژوهش از حوزه‌ی فرش دست‌باف سیستان

میزان تأثیر گذاری										علل رکود فرش دست یاف سیستان
بسیار کم		کم		بدون تأثیر		زیاد		بسیار زیاد		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۳۶,۱۹	۷۶	۲۹,۰۴	۶۱	۱۶,۶۶	۳۵	۷,۱۴	۱۵	۱۰,۹۵	۲۳	کمبود امکانات فنی
۷,۶۱	۱۶	۱۵,۲۳	۳۲	۱۷,۶۱	۳۷	۲۰	۴۲	۳۹,۵۲	۸۳	مهاجرت سکنه
۱۴,۷۶	۳۱	۳۹,۵	۸۳	۱۳,۸	۲۹	۱۴,۲۸	۳۰	۱۷,۶۱	۳۷	تولیدات مشابه در کشورهای همسایه
.	.	۳,۳۳	۷	۷,۶۱	۱۶	۲۵,۷۱	۵۴	۶۳,۳۳	۱۳۳	خشک سالی و نابودی دامپروری
۲۲,۸۵	۴۸	۲۳,۸	۵۰	۱۵,۲۳	۳۲	۲۱,۹	۴۶	۱۶,۱۹	۳۴	زوال طرح های اصیل
۳۰	۶۳	۱۷,۶۱	۳۷	۱۸,۰۹	۳۸	۱۵,۷۱	۳۳	۱۸,۵۷	۳۹	عدم وجود طراحان ماهر
۸,۵۷	۱۸	۵,۷۱	۱۲	۱۳,۸	۲۹	۱۸,۵۷	۳۹	۵۳,۳۳	۱۱۲	سودآوری پایین محصول
۱۹,۵۲	۴۱	۹,۵۲	۲۰	۱۷,۱۴	۳۶	۳۲,۳۸	۶۸	۲۱,۴۲	۴۵	کیفیت پایین مواد اولیه
۶,۶۶	۱۴	۱۲,۳۸	۲۶	۱۵,۷۱	۳۳	۱۴,۷۶	۳۱	۵۰,۴۷	۱۰۶	مدرک گرایی و عدم تمایل جوانان
۱۵,۷۱	۳۳	۲۴,۷۶	۵۲	۱۸,۰۹	۳۸	۱۸,۵۷	۳۹	۲۲,۸۵	۴۸	ضعف حمایت های دولتی
۲۴,۷۶	۵۲	۳۲,۳۸	۶۸	۱۴,۲۸	۳۰	۹,۰۴	۱۹	۱۹,۵۲	۴۱	مشکل صادرات و تحریم
۲۰,۴۷	۴۳	۱۸,۰۹	۳۸	۱۸,۵۷	۳۹	۱۹,۵۲	۴۱	۲۳,۳۳	۴۹	کمبود بافنده
۱۰,۹۵	۲۳	۱۷,۶۱	۳۷	۱۵,۲۳	۳۲	۲۴,۲۸	۵۱	۳۱,۹	۶۷	فقدان نوآوری و خلاقیت
۱۵,۷۱	۳۳	۲۱,۴۲	۴۵	۱۸,۰۹	۳۸	۲۳,۸	۵۰	۲۰,۹۵	۴۴	عدم معرفی و عرضه ی مناسب
۳۸,۵۷	۸۱	۲۸,۰۹	۵۹	۱۲,۸۵	۲۷	۹,۰۴	۱۹	۱۱,۴۲	۲۴	عدم نظارت بر تولیدات خانگی
۴,۲۸	۹	۷,۱۴	۱۵	۱۰	۲۱	۲۲,۳۸	۴۷	۵۶,۱	۱۱۸	تغییر سبک زندگی و معیشت
۲۰,۴۷	۴۳	۲۳,۳۳	۴۹	۱۶,۱۹	۳۴	۲۲,۸۵	۴۸	۱۷,۱۴	۳۶	سختی کار قالی بافی
۱۷,۶۱	۳۷	۲۳,۳۸	۶۸	۱۶,۶۶	۳۵	۱۳,۸	۲۹	۱۹,۵۲	۴۱	گرانی مواد اولیه
۱۲,۸۵	۲۷	۲۰,۴۷	۴۳	۱۶,۶	۳۵	۲۵,۷۱	۵۴	۲۴,۲۸	۵۱	فقدان بازار هدف (مشکلات بازاریابی)

(نگارندگان)

گلچین

دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۶
پاییز و زمستان ۱۳۹۸

۱۱۴

جدول ۴- نتایج آزمون تی برای عوامل تأثیرگذار بر فرش دستباف سیستان به ترتیب رتبه

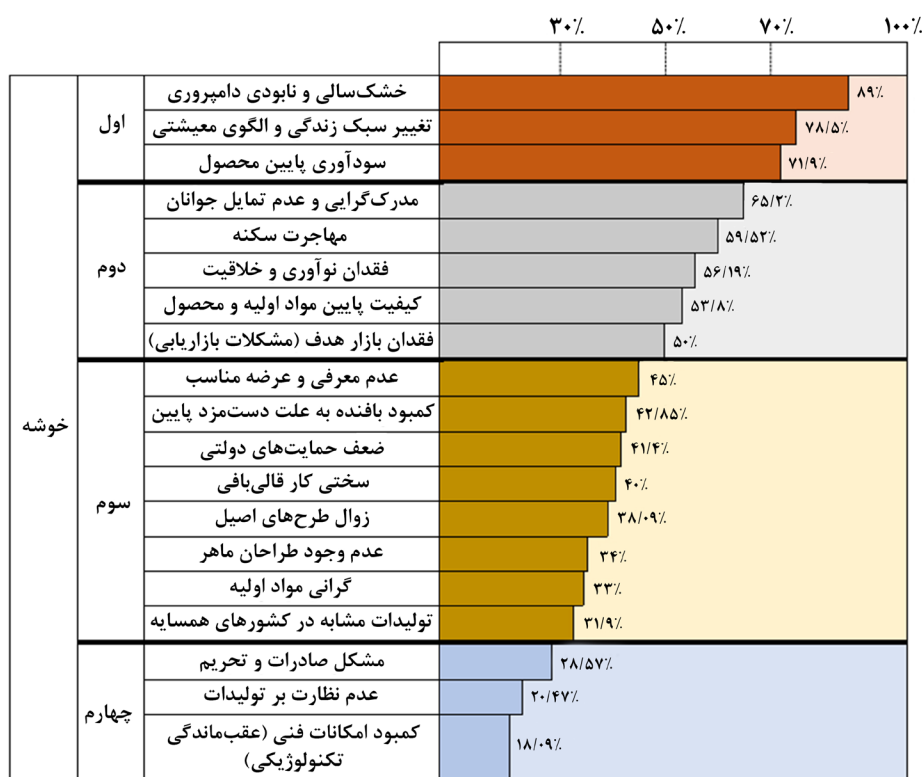
ردیف	ارزش تی	میانگین	انحراف معیار	خطا	سطح	رتبه
خشک‌سالی و نابودی دامپروری	۳	۴,۶۸	۱,۰۸	۰,۰۷۸	۰,۰۰	۱
تغییر سبک زندگی و الگوی معیشتی	۳	۴,۳۲	۱,۱۳	۰,۰۷۳	۰,۰۰	۲
سودآوری پایین محصول	۳	۴,۲۶	۰,۹۴	۰,۰۶۵	۰,۰۰	۳
مدرک‌گرایی و عدم تمایل جوانان	۳	۳,۹۸	۱,۳۶	۰,۰۹۶	۰,۰۰	۴
مهاجرت سکنه	۳	۳,۹۵	۱,۲۸	۰,۱۰۷	۰,۰۰	۵
فقدان نوآوری و خلاقیت	۳	۳,۸۳	۱,۴۲	۰,۰۹۲	۰,۰۰	۶
کیفیت پایین مواد اولیه و محصول نهایی	۳	۳,۵۴	۱,۱۶	۰,۱۲۱	۰,۰۰	۷
فقدان بازار هدف (مشکلات بازاریابی)	۳	۳,۴۸	۱,۰۱	۰,۰۷۲	۰,۰۰	۸
عدم معرفی و عرضه‌ی مناسب	۳	۳,۳۲	۰,۹۸	۰,۰۸۴	۰,۰۰	۹
کمبود بافنده به علت دست‌مزد پایین	۳	۳,۱۹	۰,۸۶	۰,۱۲۶	۰,۰۰	۱۰
ضعف حمایت‌های دولتی	۳	۳,۰۷	۱,۳	۰,۰۹۵	۰,۰۰	۱۱
سختی کار قالی‌بافی	۳	۳,۰۲	۱,۴۳	۰,۰۸۷	۰,۰۰	۱۲
زوال طرح‌های اصیل	۳	۲,۹۸	۱,۱۱	۰,۰۹۳	۰,۰۰	۱۳
عدم وجود طراحان ماهر	۳	۲,۸۱	۱,۰۲	۰,۱۱۷	۰,۰۰	۱۴
گران‌ی مواد اولیه	۳	۲,۶۴	۱,۳۶	۰,۰۶۴	۰,۰۰	۱۵
تولیدات مشابه در کشورهای همسایه	۳	۲,۵۶	۱,۲۹	۰,۱۰۱	۰,۰۰	۱۶
مشکل صادرات و تحریم	۳	۲,۴۳	۱,۵۷	۰,۰۴۳	۰,۰۰	۱۷
عدم نظارت بر تولیدات خانگی	۳	۲,۱۲	۱,۳۲	۰,۱۳۹	۰,۰۰	۱۸
کمبود امکانات فنی (عقب‌ماندگی تکنولوژیکی)	۳	۱,۸۷	۱,۶۷	۰,۱۲۴	۰,۰۰	۱۹

(نگارندگان)

برای تحلیل علل رکود قالی دستباف منطقه‌ی سیستان، در ادامه‌ی پژوهش روش خوشه‌بندی مورد استفاده قرار گرفته که بر این اساس عوامل آسیب‌رسان بر فرش دستباف سیستان به چهار خوشه‌ی قابل مشاهده در نمودار (۲) دسته‌بندی شده است. در واقع عواملی که همبستگی بیشتری با یکدیگر داشته و تأثیرات یکسان‌تری بر وضعیت کنونی فرش دستباف سیستان گذاشته‌اند، در یک خوشه قرار گرفته‌اند. این خوشه‌بندی بر اساس مجموع درصد تأثیرگذاری بسیار زیاد و زیاد، برای هر یک از عوامل نوزده‌گانه طبق پرسش‌نامه‌های مرحله‌ی

دوم پژوهش که در جدول (۳) قابل مشاهده‌اند، صورت پذیرفته است. خوشه‌ها به چهار دسته‌ی کمتر از ۳۰، ۳۰ تا ۵۰، ۵۰ تا ۷۰ و ۷۰ درصد به بالا طبقه‌بندی شده‌اند.

نمودار ۲- دسته‌بندی عوامل آسیب‌رسان به فرش دست‌باف سیستان



■ نتیجه‌گیری

باید به جرأت عنوان نمود که فرش دست‌باف یکی از نمادهای مهم کشور ایران است و جهانیان فرش دست‌باف اصیل و فاخر را با نام ایران می‌شناسند؛ اما با این وجود فرش دست‌باف ایران در سال‌های اخیر در زمینه‌ی عرضه در بازارهای جهانی با رقبایی بسیار جدی رو به رو شده است که اگرچه به لحاظ کیفیت، حریف فرش دست‌باف ایرانی نیستند؛ اما توانسته‌اند بخش قابل توجهی از بازار را به خود اختصاص دهند. به طور کلی می‌توان با توجه به مطالعات و پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه مشکلات اصلی فرش دست‌باف ایران را تا حدودی شناسایی نمود، اما به نظر می‌رسد فرش دست‌باف هر یک از مناطق ایران با توجه به اقلیم و بستری که در آن

تولید می‌شود معضلاتی منحصر به خود را دارا است. در واقع با وجود برخی مسائل و موانع مشترک، اما نمی‌توان برای فرش دست‌باف نواحی مختلف ایران، نسخه‌ای واحد پیچید. این موضوع را در مطالعات انجام گرفته در این حوزه که در بخش پیشینه‌ی پژوهش نیز ذکر شد، می‌توان به وضوح دید.

فرش دست‌باف سیستان نیز اگرچه دارای اصالت و قدمت دیرینه و قابل توجهی بوده و به ثبت جهانی نیز رسیده است اما با عنایت به نظر کارشناسان، در سال‌های اخیر کم‌تر توانسته در جایگاهی شایسته نام خود را به دست آورد و با مشکلاتی متعدد دست و پنجه نرم می‌کند. به طوری که کارگاه‌های تولید فرش دست‌باف منطقه کم‌تر فرش اصیل سیستان می‌بافند و عمدتاً به بافت فرش‌هایی با استفاده از مواد اولیه وارداتی و نقشی فرش دیگر مناطق ایران هم‌چون تبریز و کاشان مشغول هستند. این موضوع، تهدیدی در زمینه‌ی فراموشی و نابودی روزافزون فرش دست‌باف منطقه‌ی سیستان و سنت‌های مرتبط با آن به شمار می‌رود که در صورت عدم توجه می‌تواند به نتایجی تأسّف‌آور به خصوص در حوزه‌ی اشتغال و معیشت مردم منطقه بینجامد. در نتیجه این پژوهش تلاش نموده است تا به مطالعه و شناخت مهم‌ترین علل ایجادکننده‌ی رکود در فرش دست‌باف سیستان بپردازد. در این راستا ابتدا به مصاحبه با کارشناسان و اساتید این حوزه پرداخته شد و نوزده عامل اصلی در این رابطه استخراج شد. سپس با تهیه‌ی پرسش‌نامه‌هایی، نظر مردم محلی، تجار و فروشندگان فرش دست‌باف سیستان، کارشناسان بخش‌های دولتی و خصوصی، اساتید دانشگاه و هم‌چنین تولیدکنندگان و قالی‌بافان منطقه در رابطه با میزان تأثیر هریک از عوامل نوزده‌گانه پرسیده شد. در مرحله‌ی بعد داده‌های موجود در پرسش‌نامه‌ها مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته و میزان تأثیرپذیری هر کدام با توجه به نظرات استخراج شده و رتبه‌بندی علل رکود فرش دست‌باف سیستان صورت پذیرفت. طبق نتایج پژوهش، به ترتیب خشک‌سالی و نابودی دامپروری منطقه‌ی سیستان، تغییر سبک زندگی و الگوی معیشتی مردم به ویژه در روستاهای این حوزه و همین‌طور سودآوری پایین محصول نهایی (با توجه به هزینه‌های بالای تولید و مشکلات بازاریابی و فروش)، پراهمیت‌ترین علل آسیب‌رسان و زمینه‌ساز رکود در فرش دست‌باف اصیل منطقه‌ی سیستان شناسایی شدند. هم‌چنین کمبود امکانات فنی و عقب‌ماندگی تکنولوژیکی از نظر جامعه‌ی آماری پژوهش کم‌اثرترین عامل لطمه‌زننده به فرش دست‌باف منطقه بیان شد.

در نتیجه، نیاز به برنامه‌ریزی در جهت برطرف نمودن این موانع ضروری به نظر می‌رسد تا نه تنها فرش دست‌باف سیستان در مسیر رشد و نمو حرکت نموده و به جایگاهی شایسته‌تر برسد بلکه در زمینه‌ی اشتغال و وضعیت اقتصادی منطقه نیز اثرات قابل توجه و مثبتی پدیدار شد. بافندگان فرش دست‌باف سیستان احتیاج به مواد اولیه‌ی با کیفیت جهت تولید دارند پس بایستی ابتدا دامداری منطقه را از طریق برنامه‌های کوتاه‌مدت و درازمدت احیا نمود. هم‌چنین مواد اولیه وارداتی از استان‌های دیگر که برای پر کردن کمبود مواد اولیه‌ی موجود در استان تأمین می‌شوند باید با کیفیت و قیمت مناسب در اختیار تولیدکنندگان قرار گیرد. مقتضی است تسهیلات مناسب و کم بهره در اختیار تولیدکنندگان قرار داده و طرح‌های تشویقی و حمایتی در جهت احیای کارگاه‌های قالی‌بافی در نظر گرفته شود. هم‌چنین با کاهش هزینه‌های تولیدی از طریق بخشودگی و یا تخفیف‌های بیمه و مالیات، تسهیل در تهیه‌ی دار و ابزار و مواد اولیه با قیمت نازل و تضمین خرید تولیدات با کیفیت، می‌توان به سودآوری بهتر این حوزه یاری رساند و باعث دلگرمی تولیدکنندگان و رونق کارگاه‌های تولید قالی شد. باید به این نکته نیز اشاره نمود که احیای طرح‌ها و نقوش فرش اصیل دست‌باف سیستان، تربیت طراحان کارآمد در این زمینه، تغییر در ابعاد و نوآوری در طراحی و رنگ‌آمیزی فرش منطقه، جهت هم‌خوانی با سلیقه‌ی مخاطبین

و بازار روز و در نهایت استفاده از روش‌های امروزی و کارآمد در بازاریابی و فروش نیز در ارتقای سطح فرش دست‌باف سیستان بسیار تأثیرگذار خواهد بود.

در پایان باید به این نکته اشاره نمود که اگرچه بخش دولتی به عنوان برنامه‌ریز و نظارت‌کننده‌ی اصلی بر اجرای برنامه‌ها، نقش بسیار مهمی را دارا است اما به تنهایی قادر نخواهد بود که این مشکلات را حل نمایند بلکه نیاز به همکاری و همراهی تمامی بخش‌ها از جمله حوزه‌های آموزشی (دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی خصوصی)، مردم محلی، عرضه‌کنندگان و تولیدکنندگان فرش دست‌باف سیستان در این زمینه خواهد بود.

● تشکر قدردانی

از دانشجویان محترم مقطع کارشناسی رشته‌ی فرش دانشگاه سیستان و بلوچستان، خانم‌ها نازنین نهی مقدم، نسرين ذی‌کینی، شیوا نیکبخت، محبوبه‌ی عباسی، سارا عبدالهی، هلیا شهریاری، کیمیا عارفی، زهرا جعفری‌نژاد و زکیه جباری که در انجام مطالعات میدانی مشارکت داشته‌اند، کمال تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

■ فهرست منابع

- ادواردز، سیسیل. (۱۳۶۸). *قالی ایران* (ترجمه‌ی مهین‌دخت صبا). تهران: نشر فرهنگسرا.
- حسین‌آبادی، زهرا، زهرا رهنورد. (۱۳۸۵). بررسی نقش و رنگ در قالی سیستان، فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی گلجام، ۴ و ۵، ۷۴-۵۷.
- حصوری، علی. (۱۳۷۱). فرش سیستان. تهران: نشر فرهنگان.
- دهقانی فیروزآبادی، رضا. (۱۳۷۷). بررسی علل افت سهم بازارهای جهانی فرش دست‌باف ایران نسبت به رقبا و ارائه‌ی راهکارهای مناسب برای بهبود آن. (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد). دانشکده‌ی علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.
- رضوانی، محمدرضا، ناصر بیات، ابراهیم رستگار و علی قنبری‌نسب. (۱۳۹۲). شناخت و تحلیل عوامل مؤثر بر رکود صنعت قالی‌بافی در نواحی روستایی (مطالعه‌ی موردی: شهرستان ملایر). فصلنامه‌ی مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، ۱۱، ۵۱-۳۵.
- شم‌آبادی، محمدعلی، سیدحمید خداداد حسینی. (۱۳۸۶). بازاریابی صادرات فرش دست‌باف ایران: بررسی عوامل مؤثر و آسیب‌شناسی. فصلنامه‌ی پژوهش‌نامه‌ی بازرگانی، ۴۳، ۳۴-۱.
- صابری، ابراهیم. (۱۳۸۲). جایگاه فرش دست‌باف در اشتغال شهری و روستایی. مجموعه مقالات سمینار ملی پژوهش فرش دست‌باف، وزارت بازرگانی ایران، مرکز تحقیقات فرش دست‌باف ایران، ۱۳۸۲، تهران.
- طغریایی، محمدتقی، بهاره نویدزاده، علی عطاfer و ایمان زکریایی کرمانی. (۱۳۹۴). شناسایی موانع نوآوری در طراحی و تولید فرش دست‌باف اصفهان: رویکردی کارآفرینانه. دو فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی گلجام، ۲۸، ۹۲-۷۳.
- محمدی استاد کلایه، امین، ناصر بیات، محمدامین خراسانی و راحله نیک‌روش. (۱۳۹۵). شناخت و تحلیل عامل مؤثر بر رکود صنعت قالی‌بافی در نواحی روستایی از دیدگاه قالی‌بافان شهرستان گنبدکاووس.

دو فصلنامه‌ی علمی - پژوهشی گلجام، ۳۰، ۴۰۵-۳۹۲.

Boeije, H.R. (2009). *Analysis In Qualitative Research*. SAGE Publication Ltd.

Cousin, Glynis. (2009). *Researching Learning In Higher Education*. NewYork: Routledge.

Earl R. B. (2012). *The Practice of Social Research*, Sengage Learning.

www.isna.ir/sb/fa/news/82805771, Online, 21/7/1397 Identifying and Analyzing Factors Affecting



دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۶
پاییز و زمستان ۱۳۹۸

۱۱۹

the Stagnation of Sistan's original Handmade Carpet

Chakameh zamiri

M.A of carpet Design , Art University of Tehran

zamiri.chakameh@gmail.com

Abolghasem Nemat Shahrabaki

Faculty Member of Art and Architecture, Sistan and Baluchestan University

Abstract

The original handmade carpet of Sistan has always played an important role in the livelihoods and the economy of the people. However, the position of this valuable art-craft has been impressed by some problems in Iran handmade carpet and especially to the particular native dilemma of the area. As the production of Sistan's carpets has been greatly reduced today, continuing this process can in the long run lead to the deterioration of Sistan's carpet and cause irreparable damage to the employment and livelihoods of the people of this area. Therefore, it is necessary to recognize and analyze the indexes affecting the stagnation of Sistan carpet and planning to eliminate them in order to improve the final product and job creation in the region. This issue is considered as the main goal of the current research.

The research methodology is combined and Extractive. First, using semi-structured interviews, the causes of the recession of handmade rug in Sistan were analyzed from the viewpoint of experts in this field and nineteen key factors were identified. Then, a new questionnaire was designed using these factors within the Likert scale framework. The views of the local people in this area regarding the causes of the stagnation of Sistan's handmade carpet were examined. In this step, a "T test" was used for analyzing questionnaire data. The results show that the drought and destruction of livestock, lifestyle changes and livelihoods, as well as the low profitability of the final product are most important causes of the stagnation of Sistan's original handmade carpet.

Key words: Handmade Rug, Sistan, Carpet industry, Stagnation, Handicrafts